



آینده تروریسم در عراق: تحلیل روندها و سناریوها با مطالعه موردی گروه داعش

علی شیاری^۱، هاوسهر صابیر جافر جافر^۲

۳۵

چکیده

پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳، این کشور با مجموعه‌ای از چالش‌های پیچیده مواجه شد که شامل مداخلات مستقیم و غیرمستقیم بازیگران خارجی، ناکارآمدی نهادهای دولتی، و شکاف‌های عمیق سیاسی و اجتماعی بود. پژوهش حاضر با هدف تحلیل مسیر آینده تروریسم در عراق و شناسایی عوامل مؤثر بر استمرار یا تضعیف آن انجام شده است. روش تحقیق این مطالعه ترکیبی و تو صیفی-تحلیلی است و با استفاده از داده‌های تاریخی، گزارش‌های امنیتی و تحلیل منابع علمی و رسانه‌ای، عوامل داخلی (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نهادی) و خارجی (دخالت کشورهای همسایه و قدرت‌های جهانی) بررسی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که تعامل پیچیده این عوامل، سناریوهای متعددی برای آینده تروریسم در عراق ایجاد می‌کند و بدون اصلاح ساختارهای نهادی، کاهش شکاف‌های اجتماعی و مدیریت مؤثر بحران‌ها، احتمال استمرار فعالیت گروه‌های تروریستی بسیار بالاست. همچنین نتایج نشان می‌دهد که تغییرات لحظه‌ای در رهبری گروه‌ها، تحولات منطقه‌ای و نقش بازیگران خارجی، می‌توانند مسیر تروریسم را به طور چشمگیری تغییر دهند.

کلیدواژه‌ها: تروریسم، عراق، گروه‌های تروریستی، مداخلات خارجی، امنیت ملی.

دوره ۹، شماره ۴، پیاپی ۳۵

زمستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵/۰۱/۲۶

صص: ۳۴۳-۳۳۱

شابا چاپی: ۴۵۶۵-۲۵۸۸

الکترونیکی: ۰۳۸۱-۲۷۱۷



۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

داعش، که با نام رسمی «دولت اسلامی عراق و شام» شناخته می‌شود، پس از سال ۲۰۰۳ در عراق ظهور کرد و به یکی از پیچیده‌ترین و تأثیرگذارترین نمونه‌های تروریسم معاصر در خاورمیانه تبدیل شد. این گروه با تکیه بر ایدئولوژی سلفی افراطی، به سرعت شبکه‌ای سازمان‌یافته از خشونت و ترور را ایجاد کرد و توانست بخش‌های وسیعی از عراق و سوریه را تحت کنترل خود درآورد. ریشه‌های ظهور داعش را می‌توان در تعامل پیچیده‌ای از عوامل داخلی و خارجی جست‌وجو کرد که شامل شرایط اجتماعی و اقتصادی، ضعف نهادهای دولتی، بحران هویت قومی و مذهبی، و مداخلات نظامی خارجی است. از منظر تاریخی، عراق پس از سقوط رژیم صدام حسین با بحران‌های ساختاری متعددی مواجه شد. نبود نهادهای سیاسی مستحکم، فساد گسترده، شکاف‌های قومی و مذهبی و ضعف امنیتی، شرایطی فراهم کرد که گروه‌های افراطی بتوانند رشد کنند و نفوذ خود را گسترش دهند. حمله نظامی ایالات متحده و ائتلاف بین‌المللی در سال ۲۰۰۳، با ایجاد خلأ قدرت و نابسامانی‌های امنیتی، محیط مناسبی برای شکل‌گیری داعش و سایر گروه‌های تروریستی فراهم کرد. علاوه بر این، نگرانی و سیاست‌های کشورهای همسایه که به دنبال مهار تحولات دموکراتیک و تثبیت نفوذ خود در منطقه بودند، به نوعی به تثبیت و گسترش این گروه کمک کرد.

از منظر سیاسی و امنیتی، ظهور داعش نشان‌دهنده تغییرات و چالش‌های نوین در عرصه تروریسم و امنیت منطقه‌ای است. این گروه با ایجاد شبکه‌های سازمان‌یافته، استفاده از فناوری‌های نوین برای تبلیغات و جذب نیرو، و بهره‌گیری از بحران‌های سیاسی و اجتماعی، تهدیدی فراتر از مرزهای ملی ایجاد کرد و امنیت ملی عراق و کشورهای همسایه را به شدت تحت تأثیر قرار داد. تحلیل این پدیده می‌تواند درک عمیق‌تری از ارتباط میان ضعف نهادهای دولتی، بحران‌های اجتماعی و ظهور گروه‌های افراطی ارائه دهد و به تدوین سیاست‌های مؤثر مقابله با تروریسم کمک کند. ضرورت مطالعه علمی داعش نه تنها از منظر فهم ماهیت و انگیزه‌های گروه‌های تروریستی اهمیت دارد، بلکه از لحاظ عملی نیز می‌تواند راهنمای سیاست‌گذاران، پژوهشگران و نهادهای بین‌المللی در تدوین راهبردهای مقابله با تهدیدات مشابه و مدیریت بحران‌های انسانی، اجتماعی و سیاسی باشد. به‌طور کلی، داعش نماد تحول و چالش‌های نوین تروریسم در جهان معاصر است و بررسی ابعاد تاریخی، اجتماعی، فرهنگی

و امنیتی آن، ضرورت پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در حوزه امنیت، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و مطالعات منطقه‌ای را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

۲. چارچوب نظری پژوهش

تروریسم یک پدیده پیچیده و چندبعدی است که عوامل متعددی در شکل‌گیری و گسترش آن نقش دارند. از دیدگاه سیاسی و امنیتی، مداخلات خارجی و ضعف نهادهای دولتی می‌تواند شرایطی ایجاد کنند که گروه‌های تروریستی توانایی نفوذ و تثبیت خود در ساختار اجتماعی و امنیتی کشور را پیدا کنند. در عراق پس از سال ۲۰۰۳، اشغال نظامی و دخالت قدرت‌های خارجی، همراه با ناکارآمدی ساختارهای دولتی، زمینه‌ای فراهم ساخت که گروه‌های افراطی بتوانند رشد کنند و جایگاه خود را تثبیت نمایند. علاوه بر عوامل سیاسی و امنیتی، ابعاد اجتماعی و اقتصادی نیز در گسترش تروریسم نقش مهمی دارند. فقر، بیکاری، تبعیض‌های اجتماعی و نابرابری‌ها می‌توانند افراد را به سوی گروه‌های افراطی جذب کنند. این عوامل، به ویژه در مناطقی که دولت حضور مؤثری ندارد، باعث شکل‌گیری زمینه‌های مساعد برای رشد تروریسم می‌شوند. با اتکا به چارچوب نظری نظام‌های پیچیده، می‌توان تروریسم در عراق پس از سال ۲۰۰۳ را نه به‌عنوان رویدادی مقطعی، بلکه به‌مثابه محصول تعاملات غیرخطی و چندسطحی میان فروپاشی نهادی، شکاف‌های اجتماعی، مداخلات خارجی و پویایی‌های ایدئولوژیک تحلیل کرد. از این منظر، بررسی تاریخی تحولات عراق، امکان انطباق مفاهیم نظری با واقعیت‌های میدانی را فراهم می‌سازد. بر این اساس، بخش بعدی به تحلیل تاریخی ظهور و تحول گروه‌های تروریستی اختصاص می‌یابد.

بنابراین، بررسی تروریسم در عراق بدون توجه هم‌زمان به ابعاد سیاسی، اجتماعی-اقتصادی و روانشناختی-ایدئولوژیک ناقص خواهد بود. چارچوب نظری حاضر، با ترکیب این سه رویکرد، امکان تحلیل دقیق‌تری از سناریوهای آینده تروریسم در عراق و نقش عوامل داخلی و خارجی در تضعیف یا تقویت آن را فراهم می‌کند. تروریسم به‌مثابه یک پدیده اجتماعی-سیاسی پیچیده، نه حاصل یک عامل واحد، بلکه نتیجه برهم‌کنش پویا و چندسطحی عوامل داخلی و خارجی است. در عراق پس از ۲۰۰۳، ظهور و گسترش داعش را می‌توان محصول تعامل هم‌زمان عواملی چون ضعف ساختار دولت، شکاف‌های هویتی و اجتماعی، بحران‌های اقتصادی، مداخلات منطقه‌ای و بین‌المللی

و تحولات امنیتی دانست. این پژوهش با اتخاذ رویکردی میان‌رشته‌ای، از نظریه نظام‌های پیچیده به‌عنوان چارچوب نظری بهره می‌گیرد تا بتواند این شبکه درهم‌تنیده از عوامل را نه به‌صورت خطی، بلکه به‌مثابه یک سیستم پویا و در حال تحول تحلیل کند. چنین رویکردی امکان فهم چگونگی تأثیر متقابل عوامل داخلی و خارجی و پیامدهای آن برای مسیرهای آینده داعش را فراهم می‌سازد.

۱- نظریه نظام‌های پیچیده (Complex Systems Theory)

نظریه نظام‌های پیچیده بر این فرض بنیادین استوار است که پدیده‌های اجتماعی، از جمله تروریسم، از طریق تعاملات غیرخطی میان اجزای متعدد یک سیستم شکل می‌گیرند و رفتار کل سیستم قابل تقلیل به اجزای منفرد آن نیست (Mitchell)، (2009). بر اساس این نظریه، داعش در عراق نه صرفاً یک بازیگر مستقل، بلکه بخشی از یک شبکه پیچیده متشکل از متغیرهای داخلی (مانند ساختار قدرت سیاسی، وضعیت امنیتی، تنش‌های فرقه‌ای و شرایط اقتصادی) و عوامل خارجی (مانند مداخلات نظامی، رقابت‌های منطقه‌ای و سیاست‌های بین‌المللی) است. کاربرد این نظریه به پژوهش اجازه می‌دهد تا نشان دهد چگونه تغییرات به‌ظاهر محدود—برای مثال، تضعیف نهادهای امنیتی، تشدید فشارهای خارجی یا تحولات در محیط منطقه‌ای—می‌تواند پیامدهای گسترده و بعضاً پیش‌بینی‌ناپذیر بر بازتولید یا افول داعش داشته باشد. همچنین، نظریه نظام‌های پیچیده امکان شناسایی الگوهای تطبیقی و رفتاری داعش در مواجهه با فشارهای داخلی و خارجی را فراهم کرده و بستر مناسبی برای تحلیل سناریوهای آینده، از جمله تداوم فعالیت‌های پراکنده، بازسازمان‌یابی یا افول تدریجی این گروه، ایجاد می‌کند.

۲- سبب انتخاب نظریه

انتخاب نظریه نظام‌های پیچیده مبتنی بر ماهیت چندبعدی و پویای تروریسم در عراق پس از ۲۰۰۳ است. داعش در خلأ شکل نگرفته، بلکه در نتیجه تعامل پیچیده میان بحران‌های داخلی و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی ظهور یافته است. این نظریه به‌طور خاص امکان تحلیل روابط غیرخطی و اثرات زنجیره‌ای تغییرات در یک بخش از سیستم—مانند مداخله خارجی یا بازآرایی قدرت سیاسی داخلی—بر رفتار و آینده داعش را فراهم می‌سازد. افزون بر این، نظریه نظام‌های پیچیده ظرفیت تحلیل سناریوهای متنوع آینده تروریسم را دارد و می‌تواند چارچوبی جامع‌تر نسبت به نظریه‌های تک‌عاملی برای تبیین پویایی‌های داعش ارائه دهد.

۳. تعاریف و مفاهیم

۱- تروریسم

در این پژوهش به‌عنوان پدیده‌ای چندبعدی، پیچیده و دارای تداوم ساختاری مورد تعریف قرار می‌گیرد که در اثر هم‌پوشانی مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی-ایدئولوژیک و مداخلات خارجی پدیدار می‌شود. تروریسم با توسل سازمان‌یافته به خشونت، ارعاب و ایجاد ناامنی، به دنبال تضعیف ساختارهای حکمرانی، برهم‌زدن نظم سیاسی و فروپاشی انسجام اجتماعی است. از این منظر، تروریسم تنها به‌عنوان تهدیدی امنیتی قابل تبیین نیست، بلکه پدیده‌ای سیاسی-اجتماعی با پیامدهای بلندمدت و پیچیده به‌شمار می‌آید که اثرات آن در حوزه‌های امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و روانی جامعه قابل مشاهده است. (العموش، احمد، ۲۰۰۶: ۱۵۳)

۲- افراط‌گرایی (رادیکالیسم)

افراط‌گرایی در این پژوهش به‌عنوان گرایش به باورها و رفتارهایی که خارج از حدود و هنجارهای متعارف اجتماعی، سیاسی و دینی قرار می‌گیرند و بر تفسیرهای مطلق‌گرایانه، سخت‌گیرانه و گاه خشونت‌محور استوارند تعریف می‌شود. افراط‌گرایی بستر روانی، فکری و ایدئولوژیک لازم برای جذب افراد به گروه‌های تروریستی را فراهم می‌کند و معمولاً حاصل ترکیب عواملی چون: ضعف نهادهای اجتماعی‌سازی و تربیتی، کمبود فرصت‌های آموزشی و فرهنگی، احساس نارضایتی و محرومیت سیاسی-اجتماعی، و برداشت‌های تحریف‌شده یا افراطی از آموزه‌های مذهبی است. از این منظر، افراط‌گرایی نقش زیرساختی در فرآیند شکل‌گیری تروریسم ایفا کرده و به‌عنوان موتور محرک تولید ایدئولوژی خشونت و مشروعیت‌بخشی به کنش تروریستی عمل می‌کند (محمد الحسن، احسان، ۲۰۰۳: ۷).

۳- خشونت

خشونت در این پژوهش به‌عنوان کنش عامدانه، آسیب‌زا و مخرب تعریف می‌شود که در قالب‌های سیاسی، اجتماعی، فرقه‌ای، فکری یا ایدئولوژیک بروز می‌یابد و هدف آن تحمیل اراده یا ایجاد تغییر از طریق زور است. خشونت نقش محوری در کنش تروریستی دارد و از سوی گروه‌های افراطی به‌عنوان ابزاری راهبردی برای دستیابی به اهداف استفاده می‌شود. این اهداف شامل: ایجاد

رعب و وحشت در جامعه، اعمال فشار بر نهادهای دولتی، بی‌ثبات‌سازی محیط امنیتی، جذب و بسیج نیروهای انسانی، و تضعیف مشروعیت سیاسی حکومتی باشد. به این ترتیب، خشونت در منظومه تروریسم صرفاً یک رفتار فیزیکی نیست، بلکه ابزاری ساختاری برای بی‌ثبات‌سازی قدرت سیاسی و ایجاد اختلال در نظم اجتماعی تلقی می‌شود (سید عبد هللا ، ۱۹۸۹: ۵).

۴. علل و انگیزه‌های گسترش تروریسم در عراق پس از ۹ آوریل ۲۰۰۳

پدیده‌ی تروریسم در عراق پس از سقوط رژیم بعث در تاریخ ۹ آوریل ۲۰۰۳، به یکی از مهم‌ترین چالش‌های امنیتی، سیاسی و اجتماعی این کشور تبدیل شد. بررسی‌های علمی و تحلیلی نشان می‌دهد که علل و انگیزه‌های گسترش تروریسم در عراق را می‌توان در دو دسته‌ی کلی مورد مطالعه قرار داد: نخست، عوامل و انگیزه‌های داخلی که ریشه در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی عراق دارند؛ و دوم، عوامل و انگیزه‌های بین‌المللی که از محیط منطقه‌ای و نظام بین‌الملل تأثیر پذیرفته‌اند.

در میان علل داخلی، نقش و جایگاه سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی‌سازی (Socialization Organizations) شامل خانواده، مدارس، دانشگاه‌ها، مراکز مذهبی، رسانه‌ها، احزاب سیاسی و سازمان‌های جامعه مدنی - اهمیت بنیادینی دارد. این نهادها به عنوان اصلی‌ترین ابزار انتقال آگاهی، تربیت اجتماعی و انسجام ملی، وظیفه دارند ارزش‌های مدنی، همزیستی و مسئولیت‌پذیری را در جامعه تقویت کنند. اما متأسفانه در دوره‌ی پیش و به‌ویژه پس از سال ۲۰۰۳، عملکرد این سازمان‌ها در عراق با ضعف‌ها و انحراف‌های چشمگیری مواجه شد. (العساف، ۱۹۹۵: ۲۲) این وضعیت، به‌ویژه پس از حادثه‌ی انفجار حرمین عسکرین (علیهماالسلام) در شهر سامرا در سال ۲۰۰۶، شدت یافت و کشور را در آستانه‌ی یک بحران امنیتی و فرقه‌ای تمام‌عیار قرار داد. این حادثه به عنوان نقطه‌ی عطفی در تاریخ معاصر عراق، موج گسترده‌ای از افراط‌گرایی، تعصب مذهبی و خشونت فرقه‌ای را به دنبال داشت که زمینه‌ساز گسترش عملیات تروریستی در سراسر کشور شد. (هیفا، ۱۹۹۸: ۳-۵)

در کنار این عوامل، فروپاشی نهادهای دولتی و امنیتی پس از سال ۲۰۰۳ نیز نقش بسزایی در گسترش تروریسم داشت. از میان رفتن ساختارهای منسجم اداری و نظامی، خلأ قدرت در بسیاری از مناطق عراق را به وجود آورد و به گروه‌های تروریستی امکان داد تا در بخش‌هایی از نهادهای حساس کشور - مانند وزارتخانه‌های امنیتی، رسانه‌ها، برخی سازمان‌های جامعه مدنی و حتی

دستگاه‌های توسعه‌ی اجتماعی – نفوذ کنند. افزون بر این، برخی سیاست‌ها و رویکردهای نادرست نیروهای اشغالگر، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، در سال‌های نخست اشغال عراق نیز در تقویت غیرمستقیم این گروه‌ها نقش داشت. حمایت یا چشم‌پوشی از برخی جریان‌های مسلح، انجام مذاکرات و توافقات غیرشفاف با گروه‌های شبه‌نظامی و تلاش برای کاهش درگیری مستقیم با آنان، همگی باعث شدند تا گروه‌های تروریستی فرصت بازسازی، سازمان‌دهی و گسترش نفوذ خود را بیابند. (مطر، الشرق الأوسط، ۲۰۰۴)

یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز پدیده تروریسم، ریشه در گرایش‌ها و اختلالات روانی افراد دارد. در واقع، گروهی از اشخاص به دلیل تمایلات مجرمانه و ناسالم درونی، گرایش ذاتی به ارتکاب جرم دارند و این تمایل می‌تواند آنان را به‌سوی انجام جرایم خشونت‌آمیز، از جمله اقدامات تروریستی سوق دهد. این گرایش‌ها غالباً ناشی از عواملی درونی و روانی است که باعث بروز رفتارهایی خارج از معیارهای انسانی و اخلاقی می‌شود؛ به گونه‌ای که در برخی موارد، فرد از ارتکاب اعمال بی‌رحمانه و غیرانسانی احساس رضایت و لذت می‌کند. (هیفاء، پیشین: ۴) به‌طور کلی، این دلایل و انگیزه‌های روانی ممکن است ناشی از نارسایی‌ها یا ویژگی‌های شخصیتی خاص، اختلالات روانی، یا عدم تعادل در حوزه‌های فکری و عاطفی فرد باشند.

در این راستا، اقدام رژیم سابق عراق پیش از تاریخ ۹ آوریل ۲۰۰۳ در آزادسازی زندانیان دارای سوابق کیفری – بدون در نظر گرفتن زندانیان سیاسی یا مخالفان فکری و عقیدتی رژیم – تأثیر مستقیمی بر وخامت اوضاع امنیتی کشور برجای گذاشت. این اقدام موجب شد تا بستر مناسبی برای رشد و فعالیت گروه‌های تروریستی فراهم گردد، زیرا افراد آزادشده با سوابق مجرمانه، با پیوستن به چنین گروه‌هایی در ارتکاب جرایم سازمان‌یافته از قبیل آدم‌ربایی، ترور و قتل نقش مؤثری ایفا کردند. این رویدادها در برابر دیدگان نیروهای امنیتی و در شرایطی رخ می‌داد که ضعف ساختارهای نظارتی و امنیتی کشور آشکار بود. در نتیجه، فضای مناسبی برای گسترش فعالیت‌های خشونت‌آمیز و بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی ایجاد شد. (سعدالدین و دیگران، ۱۹۸۸: ۳۴۴) جامعه عراق با نرخ بالای بی‌سوادی مواجه است؛ به گونه‌ای که بر اساس آمار سازمان ملل متحد، بیش از هفت میلیون نفر از افراد ۱۵ تا ۵۰ ساله در این کشور بی‌سواد هستند. این وضعیت عمده‌تاً پیامد مستقیم جنگ‌های رژیم سابق، تحریم‌های اقتصادی طولانی‌مدت و شرایط ناپایدار امنیتی پس از سال ۲۰۰۳ میلادی است. مجموعه

این عوامل موجب گسترش فقر، مهاجرت اجباری و ترک تحصیل در میان اقشار آسیب‌پذیر جامعه گردیده و در نتیجه، بستر مناسبی برای بهره‌برداری گروه‌های تروریستی از این قشر کم‌برخوردار فراهم آمده است.

انحلال ارتش و نهادهای اطلاعاتی و صنعتی دوران پیشین، از میان رفتن هزاران فرصت شغلی و کاهش شدید سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی پس از سال ۲۰۰۳، موجب افزایش بیکاری و نارضایتی عمومی در میان شهروندان عراقی شد. این شرایط، در کنار ضعف ساختارهای حکمرانی و نبود چشم‌انداز روشن اقتصادی، زمینه‌ساز گرایش برخی از اقشار ناراضی به جریان‌های افراطی و توجیه شورش علیه نظام سیاسی جدید گردید.

افزون بر این، افزایش شمار قربانیان، بیوه‌ها و یتیمان ناشی از خشونت‌ها، آوارگی گسترده داخلی و خارجی، و تغییرات جمعیتی عمدی، موجب فروپاشی نهاد خانواده و تضعیف انسجام اجتماعی در عراق شد. ناامنی فراگیر نیز باعث عقب‌نشینی شرکت‌ها و کشورهای خارجی از طرح‌های بازسازی و سرمایه‌گذاری گردید و بدین ترتیب، روند احیای اقتصادی کشور را با چالش‌های جدی روبه‌رو ساخت. (هندی، ۲۰۱۰: ۲۲۸)

همچنین، شروط سخت نهادهای مالی بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و باشگاه پاریس برای بخشش بدهی‌های عراق، فشار مضاعفی بر دولت این کشور در مسیر بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی وارد آورد. ناکارآمدی دستگاه اجرایی و ضعف نهادهای دولتی پس از فروپاشی ساختار حکمرانی پیشین نیز موجب افزایش ناامیدی عمومی از تحقق اصلاحات دموکراتیک گردید. در نتیجه، بخشی از شهروندان که پیش‌تر به تغییر دموکراتیک امید داشتند، تحت تأثیر تبلیغات و حمایت‌های خارجی برخی کشورها، به پذیرش گفتمان تروریستی و افراطی گرایش یافتند. علاوه بر عوامل پیش‌گفته، نمی‌توان از تأثیر متغیرهای اقتصادی در مهار و سرکوب اقدامات تروریستی چشم‌پوشی کرد. سطح درآمد و میزان تأمین نیازهای اساسی فرد و خانواده‌اش، نقش تعیین‌کننده‌ای در احساس رضایت و ثبات روانی او دارد. هرچه درآمد و ثبات اجتماعی یک فرد پایدارتر باشد، احتمال گرایش وی به رفتارهای مخرب و ضداجتماعی کاهش می‌یابد. در مقابل، نارضایتی ناشی از ناتوانی در تأمین نیازهای اولیه می‌تواند به احساس بی‌عدالتی، طردشدگی و حتی دشمنی نسبت به جامعه و نهادهای دولتی بینجامد. این احساسات منفی زمانی تشدید می‌شوند که فرد اختلافات

آشکاری را میان خود و سایر اعضای جامعه مشاهده کند، بی آن که دلایل عینی، منطقی یا مبتنی بر شایستگی برای این نابرابری‌ها وجود داشته باشد. (احمد، ۲۰۱۰: ۲۹۷)

طبق گزارش‌های سالانه «سازمان شفافیت بین‌الملل»، در میان ۱۹۲ کشور مورد ارزیابی، عراق از نظر میزان فساد اداری در جایگاهی پایین قرار دارد و تنها از کشورهایی چون سومالی و میانمار پیشی گرفته است. «استوارت بوون»، بازرس کل ایالات متحده در امور بازسازی عراق، نیز اعلام کرده است که میزان فساد در دولت عراق بیش از چهار میلیارد دلار برآورد می‌شود؛ رقمی که معادل بیش از ده درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور است. (صندوق نقد، ۲۰۰۴: ۴۳)

در نتیجه، احساس بی‌عدالتی اجتماعی در میان شهروندان عراقی، به‌ویژه در زمینه توزیع درآمد و ثروت، تشدید شد و به تضعیف بیشتر حس عدالت و برابری در جامعه انجامید. در کشوری که از فقدان احساس تعلق و مسئولیت ملی رنج می‌برد، این وضعیت توسط گروه‌های تروریستی و افراط‌گرا مورد سوءاستفاده قرار گرفت؛ گروه‌هایی که از نرخ بالای بیکاری در عراق برای جذب نیرو و تأمین منافع اقتصادی خود بهره‌برداری کردند. بر اساس آمار رسمی، نرخ بیکاری در عراق حدود ۳۰ درصد از نیروی کار را دربرمی‌گیرد، در حالی که برآوردهای بین‌المللی این رقم را تا ۸۰ درصد نیز تخمین می‌زنند. هرچند مقامات عراقی این درصدها را به دلایل مختلف از جمله ملاحظات سیاسی اغراق‌آمیز دانسته و رد کرده‌اند، اما این ارقام در هر صورت گویای ائتلاف عظیم سرمایه انسانی و نشان‌دهنده ابعاد جدی این معضل است. (کریم، جریده الزمان، ۲۰۱۷) گسترش بیکاری، به‌ویژه در میان جوانان و افراد دارای توان کاری، بیانگر بحرانی اجتماعی با پیامدهای اقتصادی و سیاسی گسترده است. ناتوانی دولت در ایجاد فرصت‌های شغلی کافی برای جذب این جمعیت، زمینه را برای رشد فعالیت گروه‌های افراطی فراهم کرده است؛ به‌گونه‌ای که افزایش شمار جویندگان کار، به بستری مناسب برای سوءاستفاده تروریست‌ها از بیکاران تبدیل شده است.

این وضعیت، جدا از پیامدهای ناشی از قوانین مربوط به امتیازات و مزایای سه ریاست جمهوری عراق نیست؛ قوانینی که از نظارت و کنترل قانونی بر مکانیسم‌های پرداخت مستثنی مانده‌اند و در نتیجه، فشار قابل‌توجهی بر بودجه عملیاتی کشور وارد کرده و بودجه سرمایه‌گذاری را به حاشیه رانده‌اند. این امر تأثیر منفی مستقیمی بر وضعیت اقتصادی جامعه داشته و به افزایش نرخ بیکاری—اعم از آشکار و پنهان—در میان جوانان عراقی انجامیده است.

در مجموع، این شرایط سبب گسترش احساس ناتوانی، ناامیدی و سرخوردگی در میان اقشار مختلف جامعه عراق شده و حس بیگانگی آنان از واقعیت تلخ زندگی و ناتوانی‌شان در انطباق با ساختار جدید سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را تشدید کرده است. پیامد طبیعی این وضعیت، گرایش شمار قابل توجهی از جوانان عراقی با گرایش‌های سیاسی متفاوت به عضویت در گروه‌های شبه‌نظامی، باندهای تبهکار یا روی آوردن به شیوه‌های غیرقانونی همچون کلاهبرداری، فریب و سرقت مسلحانه بوده است.

این احساس نارضایتی نه تنها در میان اقشاری مشاهده می‌شود که در رژیم پیشین تمامی منابع مادی و معنوی را در انحصار خود داشتند و اکنون خود را در حاشیه ساختار سیاسی جدید می‌بینند، بلکه به طور کلی در بخش‌های وسیعی از جامعه نیز گسترش یافته است. در نتیجه، این شرایط به بروز خشم و انزجار در میان برخی گروه‌های اجتماعی انجامیده و در مواردی به رفتارهای افراطی و اقدامات خشونت‌آمیز و تروریستی منجر شده است، چرا که این گروه‌ها چنین اقداماتی را نوعی انتقام‌جویی در برابر احساس محرومیت و بی‌عدالتی می‌دانند. (مجموعه‌ی الباحثین، ۲۰۱۷: ۳۴) این ناپایداری‌ها را می‌توان تا حدودی ناشی از نوسازی شتاب‌زده ساختار سیاسی عراق پس از سقوط رژیم پیشین دانست؛ روندی که طی آن، کشور از یک نظام تمامیت‌خواه به نظامی پیچیده با ویژگی‌های فدرالی و عدم تمرکز اداری گذار یافت. چنین گذار سریعی موجب شکل‌گیری ساختاری مبهم و متداخل از نظر تقسیم صلاحیت‌ها و اختیارات شد. افزون بر این، فقدان استراتژی روشن حکومتی و ناتوانی احزاب و نهادهای سیاسی پس از سال ۲۰۰۳ در تدوین برنامه‌ای مشخص برای اولویت‌های ملی و تصویب قوانین کارآمد، بر این آشفتگی افزوده است.

در نتیجه، ترکیب ناهمگون نیروهای سکولار، مذهبی و مستقل در قالب این ائتلاف‌ها به ناهمگونی در برنامه‌های سیاسی انجامیده و در نهایت، پروژه سیاسی عراق را به درگیری‌های حزبی و فرقه‌ای سوق داده است. این وضعیت، روند دموکراتیک کشور را با تزلزل و بی‌ثباتی روبه‌رو ساخته و از دیدگاه بسیاری از کارشناسان، می‌تواند به «سراشویی لغزنده‌ای» تبدیل شود که تحقق اهداف اصلاحی و توسعه‌ای را به خطر می‌اندازد؛ به‌ویژه از آن‌رو که روند دموکراسی در عراق همچنان در مراحل ابتدایی خود قرار دارد.

دموکراسی نوپای عراق فاقد چارچوب نظری و رویکرد سیاسی روشنی در زمینه معرفی نمایندگان واقعی مردم بوده و به جای تکیه بر مبانی دموکراتیک شفاف، بر اصول فرقه‌ای، قومی، نژادی و قبیله‌ای استوار بوده است. همچنین، در ساختار دولت جدید از معیارهای عینی و علمی برای گزینش نخبگان و تکنوکرات‌ها استفاده نشده است. چنین کمبودهایی فرصت‌های قابل توجهی را برای گروه‌های تروریستی فراهم ساخته تا از شکاف‌های فرقه‌ای، قومی و فکری در جهت پیشبرد اهداف و ایدئولوژی‌های افراطی خود بهره‌برداری کنند. اگرچه عراق از آوریل ۲۰۰۳ فرایند گذار به دموکراسی را آغاز کرد، اما آینده این گذار همچنان با ابهامات و چالش‌های جدی روبه‌رو است. این فرایند ممکن است به دلیل فاصله گرفتن از اصول و قواعد عینی‌ای که نخبگان سیاسی عراق پیش‌تر بر آن تکیه داشتند، با خطرات متعددی مواجه شود. برخی از سازوکارهای گذار دموکراتیک، برخلاف مفاد قانون اساسی، هنوز در چارچوب منازعه و کشمکش سیاسی عمل می‌کنند، نه در بستر رقابت انتخاباتی شفاف و قانون‌مدار. افزون بر این، بخش قابل توجهی از نخبگان سیاسی عراق همچنان با ذهنیت اپوزیسیونی و نه با رویکرد حکمرانی و اقتدار مشروع به فعالیت خود ادامه می‌دهند. (العلاف، ۲۰۰۵: ۲)

مبانی نظری و حقوقی گذار دموکراتیک در عراق، از جمله قانون اساسی، نیز با تردیدها و چالش‌های جدی روبه‌رو است. اصلاحات سیاسی در کشور اغلب از حدود قانون اساسی فراتر می‌رود و تابع گرایش‌ها، منافع جناحی و گاه لجاجت گروه‌های سیاسی است. رشد پدیده تروریسم در عراق را نمی‌توان جدا از تحولات ارتباطی و رسانه‌ای پس از سال ۲۰۰۳ دانست. در این دوره، شمار رسانه‌های غربی و عربی، به‌ویژه شبکه‌های ماهواره‌ای محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌طور چشمگیری افزایش یافت. همچنین شرکت‌های تلفن همراه، که پیش‌تر تحت نظارت امنیتی دولت قرار داشتند، فعالیت خود را آزادانه آغاز کردند. گسترش اینترنت نیز زمینه را برای بهره‌برداری گروه‌های تروریستی از این بسترها در راستای اهداف خود فراهم آورد. این وضعیت نه‌تنها روند تحول دموکراتیک در عراق را تضعیف کرده، بلکه اعتماد سرمایه‌گذاران و اعتبار این فرایند را نیز زیر سؤال برده است. (عبدالجبار دگران، پیشین ۲۹۰)

افزایش حجم و تنوع رسانه‌ها و تمرکز آن‌ها بر مخاطبان داخلی و بین‌المللی، عملاً موجب افزایش تهدید سازمان‌های تروریستی در عراق شده است. زیرا اقدامات این گروه‌ها دیگر صرفاً شهروندان، بلکه کل نظام سیاسی کشور را هدف قرار می‌دهد. این روند با ضعف کارکرد قوه قضائیه عراق و نبود

استقلال کافی در آن همراه بوده است. با وجود تصویب «قانون مستقل مبارزه با تروریسم شماره ۱۴» از سوی مجلس ملی عراق در تاریخ ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۵، این قانون نتوانست همه اشکال فعالیت‌های تروریستی را پوشش دهد و از این رو زمینه را برای استمرار برخی فعالیت‌های غیرمستقیم مانند ترورهای هدفمند و سایر اشکال جرایم خشونت‌آمیز فراهم ساخت. فقدان مقررات شکلی و آیین‌نامه‌های اجرایی روشن در این قانون، موجب شد که نحوه‌ی پاسخ‌گویی و مجازات تروریست‌ها در ابهام باقی بماند؛ امری که در مقایسه با قوانین ضدتروریسم سایر کشورها یک ضعف اساسی محسوب می‌شود. این وضعیت با انتقادات گسترده در میان حقوق‌دانان و صاحب‌نظران فقه و حقوق بین‌الملل روبه‌رو شده است. قوه قضائیه عراق نیز از لحاظ ظرفیت انسانی و تخصصی با کاستی‌های چشمگیری مواجه بوده و در بسیاری موارد در رسیدگی به پرونده‌های تروریستی تأخیر داشته یا بدون تحقیقات کافی، متهمان را آزاد کرده است. نتیجه‌ی چنین عملکردی، آزادی مجدد بسیاری از رهبران تروریستی و بازگشت آنان به فعالیت‌های خشونت‌آمیز بوده است. ضعف ساختاری و عدم پاسخ‌گویی دستگاه قضایی را می‌توان از مهم‌ترین عوامل تداوم و تقویت فعالیت‌های تروریستی در عراق دانست. (الفتلاوی، پیشین: ۷۰)

در کنار عوامل داخلی، دلایل و انگیزه‌های خارجی نیز در رشد تروریسم در عراق پس از سال ۲۰۰۳ نقش مؤثری داشته‌اند. عراق در محیطی ژئوپولیتیکی قرار دارد که بسیاری از کشورهای پیرامونی با رویکرد دموکراتیک ناسازگارند و تحولات سیاسی عراق را تهدیدی بالقوه برای ثبات خود تلقی می‌کنند. در عین حال، برخی دولت‌ها نیز حضور ایالات متحده در عراق را بخشی از پروژه‌ی «خاورمیانه بزرگ» دانسته و آن را متوجه خود می‌دانند. در نتیجه، این کشورها با حمایت مستقیم یا غیرمستقیم از گروه‌های تروریستی، از طریق تأمین مالی، تسلیحاتی و تسهیل نفوذ مرزی، درصدد ناکام گذاشتن پروژه‌ی سیاسی جدید عراق برآمده‌اند. بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که عراق تاکنون فاقد یک راهبرد جامع و منسجم برای مقابله با تروریسم بوده و این خلأ راهبردی، یکی از مهم‌ترین موانع در مسیر تثبیت دموکراسی و امنیت در این کشور به شمار می‌آید.

۵. القاعده در عراق

ظهور القاعده در عراق را می‌توان یکی از مهم‌ترین تحولات امنیتی دوران پس از اشغال این کشور توسط ایالات متحده دانست. رهبری این جریان را ابومصعب زرقاوی برعهده داشت؛ فردی که تلاش می‌کرد مسلمانان سراسر جهان را برای مقابله با حضور نظامی آمریکا در عراق بسیج کند. زرقاوی در همین راستا اقدام به سازماندهی شبکه‌ای گسترده و تهیه تسلیحات برای آغاز فعالیت‌های مسلحانه نمود. گروه «توحید و جهاد» به رهبری زرقاوی، که پیش‌تر در نواحی کردنشین شمال عراق مستقر بود، با تکیه بر نیروهای آموزش دیده در اردوگاه هرات افغانستان، از ابتدای اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ به ایجاد یک سلول خفته در بغداد دست زد. این اقدام نقطه آغاز فعالیت‌های سیستماتیک گروه علیه نیروهای آمریکایی و زمینه‌ای برای گسترش نفوذ آن در عراق به‌شمار می‌رفت.

فعالیت‌های خشونت‌آمیز گروه زرقاوی به سرعت بازتاب گسترده‌ای یافت و موجب افزایش توجه افکار عمومی شد؛ به‌ویژه پس از عملیات‌هایی چون بمب‌گذاری در مسجد شیعیان نجف، حمله به دفتر کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در بغداد و انفجار در سفارت اردن. در این دوره، شمار قابل توجهی از جنگجویان باتجربه که سابقه حضور در افغانستان را داشتند، به این گروه پیوستند و توان عملیاتی آن را افزایش دادند. زرقاوی با بهره‌گیری از شکاف‌های قومی و مذهبی، به‌ویژه نارضایتی بخشی از جامعه اهل سنت، تلاش کرد آنان را به مقابله با شیعیان فراخواند. نقطه عطف فعالیت‌های او بیعت رسمی با شبکه القاعده در سپتامبر بود؛ بیعتی که به تشکیل ساختار جدیدی تحت عنوان «القاعده جهاد در سرزمین بین‌النهرین» انجامید و بعدها با نام «القاعده در عراق» شهرت یافت. (فارس، ۲۰۱۵: ۱۵)

خشونت‌ورزی گسترده و عملیات‌های رسانه‌پسند این گروه موجب شد نام زرقاوی به‌طور مستمر در رسانه‌های بین‌المللی مطرح شود. سرانجام وی در ۷ ژوئن ۲۰۰۶ طی حمله هوایی نیروهای آمریکایی در عراق کشته شد؛ رخدادی که تأثیری مهم بر پویایی داخلی این سازمان و مسیر تحول گروه‌های جهادی در عراق بر جای گذاشت.

۶. داعش

۱- داعش: تحول سازمانی، رهبری و زمینه‌های اجتماعی - سیاسی

سازمان موسوم به «دولت اسلامی» ریشه در شبکه‌ای دارد که در اوایل دهه ۲۰۰۰ توسط ابومصعب الزرقاوی شکل گرفت. زرقاوی با تأسیس گروه «جماعه التوحید و الجهاد»، که بعدها با بیعت با القاعده به «القاعده در عراق» تغییر نام داد، تلاش کرد از وضعیت بی‌ثبات عراق پس از اشغال ۲۰۰۳ بهره‌برداری کند. استراتژی او ترکیبی از خشونت گسترده، عملیات‌های انتحاری، هدف‌گیری فرقه‌ای و بی‌ثبات‌سازی امنیتی بود؛ رویکردی که به‌طور قابل‌توجهی در میان گروه‌های جهادی پیش از آن دیده نشده بود.

۲- مرحله پس از زرقاوی و تشکیل «دولت اسلامی عراق»

پس از کشته‌شدن زرقاوی در ژوئن ۲۰۰۶، رهبری سازمان به ابوحزمه المهاجر سپرده شد. او تلاش کرد ساختار سازمان را از یک شبکه پراکنده به یک سیستم منسجم‌تر تبدیل کند. در همین زمان، چهره‌ای با نام ابوعمر البغدادی به‌عنوان رهبر «شورای مجاهدین» معرفی شد و سپس در اواخر ۲۰۰۶ تأسیس «دولت اسلامی عراق» اعلام گردید. این نام‌گذاری در واقع یک تلاش تبلیغاتی برای ایجاد تصور «حاکمیت» بود، هرچند سازمان در آن زمان کنترلی محدود و پراکنده داشت. رهبری دوگانه ابوحزمه المهاجر و ابوعمر البغدادی تا آوریل ۲۰۱۰ ادامه یافت، زمانی که هر دو در یک عملیات دقیق نیروهای آمریکایی در منطقه ثرثار هدف قرار گرفته و کشته شدند. این حادثه نقطه عطفی در تحول گروه بود و زمینه را برای ظهور چهره‌ای فراهم کرد که بعدها نام داعش را در سطح جهانی مطرح کرد. (کینون، ۲۰۲۱: ۱۰۳)

۳- ظهور ابوبکر البغدادی و گذار به داعش

پس از مرگ ابوعمر البغدادی، ابوبکر البغدادی در سال ۲۰۱۰ رهبری «دولت اسلامی عراق» را بر عهده گرفت. او در مدت کوتاهی توانست از شکاف‌های امنیتی عراق، خلأهای قدرت پس از خروج نیروهای آمریکایی، و شکایات گسترده میان بخش‌هایی از جامعه اهل سنت نسبت به سیاست‌های دولت مرکزی استفاده کند. تحولات سوریه در سال ۲۰۱۱ نیز فرصت تازه‌ای برای گسترش نفوذ گروه فراهم

آورد. با ورود به جنگ داخلی سوریه، سازمان تحت رهبری بغدادی به «دولت اسلامی عراق و شام (داعش)» تبدیل شد و عملیات‌های خود را به صورت فراملی گسترش داد. (فارس، پیشین: ۱۶)

۴- اعلام خلافت و تغییر نام به «دولت اسلامی

در پی تصرف‌های نظامی گسترده، از جمله سقوط سریع و غیرمنتظرهٔ موصل در ژوئن ۲۰۱۴، ابوبکر البغدادی در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ در مسجد النوری موصل «خلافت» را اعلام کرد و خود را «خلیفه ابراهیم» نامید. هم‌زمان، نام سازمان از «دولت اسلامی عراق و شام» به «دولت اسلامی» کاهش یافت تا ادعا شود که قلمرو این خلافت محدود به عراق و سوریه نیست بلکه تمامی جهان اسلام را در بر می‌گیرد.

موفقیت‌های اولیه داعش تا حد زیادی حاصل ترکیب عواملی چون:

- ضعف ساختار امنیتی عراق.
- شکاف‌های فرقه‌ای و سیاسی.
- نارضایتی برخی جوامع سنی.
- بهره‌برداری هوشمندانه از فضای رسانه‌ای.
- استفاده از شبکه‌های مالی و نظامی پیچیده بود.

داعش با اتکا به این شرایط توانست طی مدت کوتاهی بخش‌های قابل توجهی از شمال عراق را تصرف کند و تهدیدی بی‌سابقه علیه ثبات منطقه به وجود آورد. (بازگر، ۲۰۱۶: ۸۲)

۷. سناریوهای آینده تروریسم در عراق

در بخش دوم پژوهش، با عنوان «سناریوهای آینده تروریسم در عراق»، به بررسی مجموعه‌ای از چشم‌اندازهای محتمل درباره تحول این پدیده پرداخته‌ایم. در مجموع، سی موضوع در قالب سی سناریوی آینده‌پژوهانه تدوین شده و چارچوب مفهومی هر یک در بخش نخست توضیح داده شده است. در این میان، سناریوی نخست به وضعیت ختم یا کاهش قابل توجه تروریسم در عراق اختصاص دارد؛ حالتی که در آن ساختارهای امنیتی، سیاسی و اجتماعی توان مهار پایدار گروه‌های افراطی را به دست می‌آورند. در مقابل، سناریوی سوم با عنوان «بازگشت قدرتمند تروریسم در عراق»، امکان تجدید توان یا ظهور موج جدیدی از فعالیت‌های تروریستی را بررسی می‌کند؛ سناریویی

که بر مبنای متغیرهای ضعف حکمرانی، شکاف‌های اجتماعی، و تحولات منطقه‌ای قابل تصور است. (ناوندی جزیره، ۲۰۲۱: ۴)

۱- سناریوی پایان یافتن تروریسم در عراق

بررسی روندهای مربوط به افول و یا استمرار فعالیت گروه‌های تروریستی در عراق، یکی از محورهای مهم مطالعات امنیتی و راهبردی در دهه‌های اخیر بوده است. سناریوی «پایان یافتن تروریسم در عراق» بر این فرض استوار است که تضعیف ساختار رهبری و کاهش ظرفیت سازمانی گروه‌های افراطی، می‌تواند به محدودسازی تدریجی توان عملیاتی آنها و نهایتاً توقف فعالیتشان بینجامد. این فصل به تحلیل این سناریو بر مبنای داده‌های میدانی، عملیات‌های امنیتی، و تغییرات ساختاری در سازمان‌های تروریستی می‌پردازد.

۲- حذف رهبری گروه‌های تروریستی و پیامدهای آن

یکی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر کاهش قدرت گروه‌های تروریستی، حذف رهبران کلیدی آنهاست. گروه‌های تروریستی سنی در عراق طی دو دهه گذشته بارها رهبران اصلی خود را از دست داده‌اند. از جمله چهره‌های تأثیرگذار می‌توان به ابومصعب الزرقاوی، ابوعمر البغدادی، ابوحمزه المهاجر، اسامه بن لادن (۲۰۱۱) و ابوبکر البغدادی اشاره کرد. عملیات نیروهای ویژه آمریکا در روستای «بایشا» در استان ادلب که به کشته شدن بغدادی انجامید، ضربه‌ای قابل توجه به ساختار فرماندهی داعش وارد کرد. هرچند «ابراهیم الهاشمی القریشی» بلافاصله به‌عنوان جانشین معرفی شد، اما نتوانست سطح کاریزما، نفوذ و انسجام‌آفرینی بغدادی را بازسازی کند.

۳- نقش عملیات‌های امنیتی عراق و ائتلاف بین‌المللی

بین سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۹، نیروهای امنیتی عراق با مشارکت ائتلاف بین‌المللی ضد داعش مجموعه‌ای از عملیات‌های هدفمند را علیه بقایای این گروه انجام دادند. این عملیات‌ها منجر به حذف حدود ۴۳ فرمانده رده‌اول، ۷۹ فرمانده رده‌دوم و صدها عنصر میدانی شد. بخشی از این عناصر نیز توسط نیروهای عراقی بازداشت شدند. این اقدامات، ظرفیت برنامه‌ریزی و فرماندهی داعش را به شکل محسوسی کاهش داد و موجب فروپاشی زنجیره ارتباطی میان واحدهای عملیاتی شد. افزون بر آن، رهگیری‌های مستمر اطلاعاتی و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، حوزه تحرک و فعالیت

هسته‌های مخفی داعش را به‌طور قابل توجهی محدود کرد. به‌ویژه پس از تشکیل ائتلاف جهانی در سال ۲۰۱۴، هرگونه جابه‌جایی عناصر داعش در معرض رصد و هدف قرار گرفتن قرار داشت.

۴- کاهش توان میدانی و از دست رفتن قلمرو

قدرت داعش در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵، با کنترل حدود ۳۴ هزار مایل مربع از سرزمین‌های عراق و سوریه، به اوج خود رسید. اما هم‌زمان با آغاز عملیات‌های «آزادسازی» و بسیج نیروهای عراقی، این گروه به‌تدریج قلمروهای خود را از دست داد و از یک «شبه‌دولت» به مجموعه‌ای از هسته‌های پراکنده زیرزمینی تبدیل شد. کشته شدن «ابوحسن المهاجر» سخنگوی داعش، تنها چند ساعت پس از مرگ بغدادی، نشان داد که فشار اطلاعاتی و امنیتی بر داعش در سطحی بی‌سابقه قرار دارد. این روند، امکان سازماندهی دوباره هسته‌های عملیاتی را به‌شدت محدود کرده است.

۵- ارزیابی انتقادی سناریوی پایان تروریسم

با وجود شواهد میدانی مبنی بر تضعیف مستمر داعش و دیگر گروه‌های تروریستی، این سناریو با چالش‌هایی مواجه است. مهم‌ترین چالش، اتکای بیش از حد به فرض «پایان‌پذیری تروریسم از طریق حذف رهبران» است. تجربه نشان می‌دهد که گروه‌های تروریستی از توانایی بالایی در بازسازی ساختار رهبری برخوردارند. نمونه‌هایی مانند جانشینی ابوبکر البغدادی پس از مرگ ابوعمر البغدادی در سال ۲۰۱۰ و همچنین معرفی القریشی در سال ۲۰۱۹، بیانگر آن است که حذف رهبران، به‌تنهایی عامل کافی برای نابودی سازمان نیست. این گروه‌ها دارای سازوکارهای سلسله‌مراتبی و ساختارهای انعطاف‌پذیر هستند که امکان ادامه فعالیت آنها را فراهم می‌سازد. با وجود تأثیر قابل توجه حذف رهبران، عملیات‌های گسترده امنیتی، و از دست رفتن قلمروهای داعش، سناریوی پایان یافتن کامل تروریسم در عراق همچنان محل تردید است. اگرچه فشارهای امنیتی و اطلاعاتی سبب کاهش توان عملیاتی تروریست‌ها شده است، اما توانایی آنان در بازتولید رهبری، ایجاد هسته‌های مخفی، و بهره‌گیری از شرایط سیاسی و اجتماعی، مانع از تحقق کامل این سناریو می‌شود. بنابراین، پایان تروریسم در عراق نیازمند رویکردی چندبعدی شامل اصلاحات سیاسی، توسعه اقتصادی، تقویت دستگاه‌های امنیتی و کاهش بسترهای اجتماعی و فکری افراط‌گرایی است. (نجات، ۲۰۲۲: ۱۲)

۶- سناریوی دوم - ادامه فعالیت تروریسم در شکل فعلی

پس از شکست داعش در عراق و سوریه در سال ۲۰۱۷، بسیاری از تحلیل‌گران پیش‌بینی می‌کردند که این گروه توان عملیاتی خود را از دست داده و تهدید تروریستی آن پایان یافته است. با این حال، تجربه تاریخی نشان داده است که سازمان‌های افراطی همواره از بحران‌ها و خلأهای امنیتی برای بازسازی و سازماندهی مجدد خود بهره می‌برند. در عراق، ظهور تظاهرات گسترده علیه کابینه عادل عبدالمهدی و شیوع ویروس کرونا، شرایط مساعدی را برای افزایش فعالیت‌های داعش و سایر گروه‌های تروریستی فراهم کرده است.

تداوم تروریسم در عراق تحت تأثیر چند عامل کلیدی است. اول، خستگی و ناامیدی شهروندان نسبت به نهادهای دولتی، به ویژه در زمینه فساد، بیکاری و ناکارآمدی، به شکل‌گیری محیط مساعد برای فعالیت تروریست‌ها کمک می‌کند. دوم، بی‌اعتمادی عمومی نسبت به نهادهای حاکم، موجب کاهش همکاری اجتماعی و امنیتی شهروندان با دولت شده است، امری که فرصت فعالیت برای گروه‌های مسلح را افزایش می‌دهد. پیامدهای چنین شرایطی برای آینده امنیت ملی عراق بسیار خطرناک است.

استراتژی داعش در سال ۲۰۲۰ نشان‌دهنده تداوم تهدید این سازمان است. بر اساس پژوهش‌های لیدا و حلبی، این گروه تاکتیک‌هایی مانند حملات غافلگیرانه محدود، کمین، مین‌گذاری و گروگان‌گیری را به کار گرفته است. این تاکتیک‌ها به عراق این امکان را می‌دهد که در میان کشورهای منطقه، بیشترین فعالیت‌های تروریستی داعش را تجربه کند. تنها در شش ماه اول سال ۲۰۲۰، این سازمان ۱۴۷۷ عملیات در عراق انجام داد، که نشان‌دهنده توان بالای سازمان در هماهنگی و تقسیم عملیات بین بخش‌های مختلف کشور است. (geneva acedemy p.4)

یکی از ویژگی‌های برجسته داعش، توانایی آن در سازگاری با شرایط جدید و ادامه فعالیت حتی پس از از دست دادن رهبران یا مناطق تحت کنترل است. این سازمان با بهره‌گیری از ساختار منعطف و تمرکززدایی، به گونه‌ای عمل می‌کند که بخش‌های مختلف آن در کشور فعالیت کنند، بدون آنکه با یکدیگر درگیر شوند یا قلمرو یکدیگر را نقض کنند. الگوهای مشابه در القاعده نیز دیده می‌شود، به طوری که شاخه‌های این گروه در کشورهای هدف به طور مستقل عمل می‌کنند اما از هماهنگی کلی با شبکه جهانی برخوردارند.

به این ترتیب، ادامه فعالیت تروریستی داعش و گروه‌های مشابه، نشان‌دهنده تهدیدی پایدار برای امنیت عراق است و تأکید می‌کند که مقابله با تروریسم تنها با سرکوب نظامی کافی نیست، بلکه نیازمند اصلاحات ساختاری، کاهش فساد، ایجاد اعتماد عمومی و تقویت همکاری‌های امنیتی محلی است.

۷- سناریوی سوم: قدرت‌گیری ظلم و تروریسم در عراق

یکی از مشکلات اساسی در عراق، اعمال مجازات‌های ناعادلانه و هدفمند علیه جامعه اهل سنت است. این سیاست‌ها که غالباً شامل مجازات‌های سنگین بر افرادی است که هیچ ارتباطی با گروه‌های تروریستی مانند داعش ندارند، موجب ایجاد احساس نارضایتی و خصومت در میان جامعه می‌شود. این افراد و خانواده‌هایشان، در نتیجه این فشارها، ممکن است در آینده به شکل فعال در هرگونه قیام یا فعالیت تروریستی علیه دولت عراق مشارکت کنند. نکته قابل توجه آن است که کودکان زیر ۱۴ سال، حتی اگر ارتباط مستقیمی با داعش نداشته باشند، در زندان‌ها با اعضای گروه‌های تروریستی نگهداری می‌شوند. این تجربه، به عنوان بستری برای آموزش و شکل‌دهی به نسل جدید تروریست‌ها عمل می‌کند و خطر بازتولید تروریسم در آینده را افزایش می‌دهد.

یکی دیگر از عوامل استمرار تهدید تروریسم، حمایت یا همدلی بخشی از خانواده‌ها و بستگان اعضای داعش است. پس از سقوط داعش، بسیاری از اعضای این گروه توسط خانواده‌ها پنهان شده یا حمایت شده‌اند که این امر زمینه را برای بازگشت داعش، چه با همان نام و چه در قالب سازمان‌های جدید، فراهم می‌کند. همچنین زندانی شدن برخی افراد به دلایل سیاسی و نه جرائم واقعی، خود موجب شکل‌گیری نارضایتی و گرایش به افراط‌گرایی می‌شود. همان‌گونه که تجربه ظهور داعش نشان داد، ترکیب ظلم سیاسی، ناکارآمدی مدیریتی و مشکلات اجتماعی، شرایط لازم برای تولد مجدد تروریسم را فراهم می‌کند. سیاست‌های ناکارآمد حکومتداری، فساد گسترده، بیکاری، کمبود خدمات اجتماعی و شرایط نامطلوب زندگی در مناطق تحت تأثیر داعش، از دیگر عواملی هستند که بستر شکل‌گیری افراط‌گرایی و تفکر جهادی را فراهم می‌کنند. این پدیده‌ها همچنان در بسیاری از مناطق عراق مشاهده می‌شوند و بدون اصلاح سیاست‌های داخلی، ریشه‌کن کردن تروریسم دشوار خواهد بود (Kathy Gilsinan, p.22).

هرچند اخراج داعش از عراق به معنای پایان کامل تروریسم نیست، اما سلول‌های این سازمان و شبکه‌های همدلی آن در جامعه باقی مانده‌اند و همواره تهدید بالقوه‌ای برای امنیت کشور محسوب

می‌شوند. نسل تربیت شده توسط داعش، همانند «بمب خاموش»، در انتظار شرایط مناسب برای بروز دوباره است. در دوران خلافت داعش، تلاش شد از طریق تغییر برنامه‌های آموزشی مدارس، ایدئولوژی افراطی در نسل جوان عراق نهادینه شود؛ بنابراین کتاب‌ها و محتوای آموزشی آن دوره ممکن است در هر زمانی، تولید نسل جدیدی از افراط‌گرایان را به همراه داشته باشد. اگر سیاست‌های داخلی بهبود نیابد و نارضایتی‌های اجتماعی ادامه یابد، این نسل می‌تواند تهدیدی جدی و پایدار برای امنیت عراق باشد.

نتیجه‌گیری

پس از انجام پژوهش حاضر درباره پدیده تروریسم در عراق پس از سال ۲۰۰۳، با تمرکز بر سازمان موسوم به «دولت اسلامی» (داعش) به‌عنوان یک الگوی مطالعاتی، مجموعه‌ای از یافته‌ها و نتایج به‌دست آمد که می‌توان آن‌ها را به شرح زیر تبیین کرد:

- ❖ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که سازمان تروریستی داعش از نظر فکری و ایدئولوژیک، ادامه و امتداد جریان القاعده به شمار می‌آید و در چارچوب همان گفتمان افراط‌گرایانه شکل گرفته است.
- ❖ این سازمان برای تحقق اهداف سیاسی، ایدئولوژیک و امنیتی خود، به ارتکاب شدیدترین و خشن‌ترین اشکال جنایات، از جمله کشتار غیرنظامیان، تخریب زیرساخت‌ها و نقض گسترده حقوق بشر متوسل شده است.
- ❖ پدیده تروریسم، با توجه به پیامدهای مخرب آن بر امنیت، ثبات و کرامت انسانی، در تمامی سطوح حقوقی، اخلاقی و انسانی مردود و غیرقابل پذیرش است.
- ❖ میان سیاست‌های اتخاذشده از سوی ایالات متحده آمریکا پس از سال ۲۰۰۳ در عراق و منطقه عربی، و فراهم‌شدن بستر رشد هسته‌ها و سازمان‌های تروریستی که در راستای تأمین برخی منافع راهبردی شکل گرفته‌اند، رابطه‌ای معنادار وجود دارد.
- ❖ درگیری‌های مسلحانه میان نیروهای مسلح عراق و سازمان تروریستی داعش در قلمرو این کشور، از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه در زمره «درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی»

قرار می‌گیرد. بر این اساس، قانون جزای عراق مرجع صالح برای تعقیب و مجازات مرتکبان جنایاتی است که توسط این سازمان در داخل خاک عراق ارتکاب یافته است. ❖ شواهد موجود حاکی از آن است که حمایت‌های خارجی، اعم از پشتیبانی برخی کشورهای همسایه و سازمان‌های تروریستی فراملی، با هدف تضعیف روند دموکراتیک عراق پس از سال ۲۰۰۳ و خدشه‌دار کردن وحدت و تمامیت ارضی این کشور صورت گرفته است.

فهرست منابع

- إبراهيم، سعد الدين، وآخرون. (د.ت.). مستقبل المجتمع والدولة في الوطن العربي. عمان: منتدى الفكر العربي.
- أحمد، أمل. (٢٠١٠). الانتخابات العراقية. مجلة العلوم السياسية، كلية العلوم السياسية، جامعة بغداد، (٢١).
- أحمد، عبد الجبار. (٢٠١٠). العراق من التحول الديمغرافي إلى التماسك الديمغرافي. مجلة العلوم السياسية، كلية العلوم السياسية، جامعة بغداد، (٢١).
- أحمد، هيفاء. (١٩٩٨). ظاهرة العنف السياسي في الوطن العربي (رسالة ماجستير غير منشورة). كلية العلوم السياسية، جامعة بغداد.
- الحسن، إحسان محمد. (٢٠٠٣، ٢٢ تشرين الأول). تعريف المفاهيم (محااضرة لطلبة الماجستير). كلية الآداب، جامعة القادسية.
- خسرو، سامية عزيز محمد. (د.ت.). ظاهرة الإرهاب وتأثيرها على الدول الأخرى. صحيفة الاتحاد، بغداد.
- صندوق النقد العربي. (٢٠٠٤). التقرير الاقتصادي العربي. أبو ظبي.
- عبد الله، معتز سيد. (١٩٨٩). الاتجاهات التعصبية. الكويت: عالم المعرفة.
- العساف، حمد صالح. (١٩٩٥). المدخل إلى البحوث في العلوم السلوكية. الرياض: العبيكان للطباعة والنشر.
- العلاف، إبراهيم خليل. (٢٠٠٥، آذار). الولايات المتحدة الأمريكية ومحاولة أمننة (أوتدويل) قضية الأمن في العراق. أوراق عراقية، مركز الدراسات الإقليمية، كلية العلوم السياسية، جامعة الموصل.
- العموش، أحمد فالح. (٢٠٠٦). مستقبل الإرهاب في القرن الحادي والعشرين. الرياض: المملكة العربية السعودية.
- القلواي، سهيل حسن. (٢٠٠٥). الإرهاب والإرهاب المضاد. بيروت: دار الفكر العربي.
- كريم، فارس. (٢٠٠٥، ١ أيار). البطالة وسبل معالجتها في العراق. جريدة الزمان، (٢٠١٧)، لندن.
- مجموعه من الباحثين. (٢٠٠٧، ١٠ أيار). قضية ارتفاع مستويات البطالة والفقر في العراق. بغداد: وزارة التخطيط والتعمير.

The Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights.
(2018). Armed conflict: Nearing the end? The war report 2018 (p. 4).

- Gilsinan, K., & Giglio, M. (2019, November 22). What ISIS will become: The group has lost its territory and its leader. But it has survived before—and can do it again. *The Atlantic*. Retrieved April 23, 2022, from <https://www.theatlantic.com/politics/archive/2019/11/evolution-of-isis/602293/>
- The Geneva Academy of International Humanitarian Law and Human Rights. (n.d.). *The Syrian conflict*.